

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

مؤلفه‌های افراط و تفریط در مجموعه رهبری کنونی کشور سیاست بازپروری تروریست‌ها و وضعیت کنونی میهن ما ضابطه‌های حکومتداری بمتابۀ جوهر حاکمیت‌های سیاسی

نظری به گوشه‌هایی از التهاب تومور پاکستان
عقب‌نشینی‌های اجتماعی توسط "طالب"‌ها
چالش‌های فرا راه حاکمیت جدید در کشور
سیاست درهمه‌جا حضور دارد

افراط بمعنای تندروی و تفریط بمفهوم کندروی تعریف گردیده است. "فرط" بمعنای خارج شدن از حد معین میباشد. زمانی کاین خارج شدن بهدف پیشی گرفتن باشد، آنرا افراط و زمانی که در مسیر کوتاهی باشد تفریط خوانده می‌شود. با دوستان بایست در حد اعتدال دوستی نمود، زیرا ممکنست آن دوست روزی دشمن گردد و همچنان در دشمنی نیز بایست معتدل بود. زیرا ممکنست همان دشمن دیروزی، روزی دوست گردد. کسی که در دشمنی زیاده روی نماید بمتابۀ گنه‌کار و آنکسی که در دشمنی کوتاهی نماید، ستمکار است. نا دان را نبینی، مگر افراط‌گریا تفریط‌گر. هر کمبودی در اعمال تمایلات برای آدمی زیان آوروهر زیاده روی نسبت بآنها سبب ساز فساد و تباهی می‌گردد. چه، گفته اند که بخشنده باش اما زیاده روی نکن، در زندگی حسابگر باش، اما سختگیر مباش. افراط و تفریط در هر موضوعی دارای نقاط اشتراکی می‌باشند. انسان‌ها براحتی از افراط به تفریط کشیده می‌شوند. این اصطلاح آنقدر تکرار شده که ممکنست تصور نماییم بر مبنای صحیحی بنا شده است. در هر مسأله ایی از جمله در سیاست، افراط و تفریط بیک نقطه با هم ملاقی می‌گردند. از زمان انقلاب فرانسه، این با اصطلاح فرضیه بمتابۀ سلاحی بمنظور از میان برداشتن گسترده رقبا استفاده می‌شده و فهرست قربانیان این امر همچنان افزایش مییابد. بمنظور میانه روی همواره باید تمرین نمود.

حاکمیت جدید که بنمایندگی از اعضای تحریک "طالب"‌ها بتاریخ ۲۴ ماه اسد سال ۱۴۰۰ اقتدار کشور را بدست گرفت، با معضلات و چالش‌های گسترده اجتماعی - اقتصادی بگونه نمونه، زلزله ویرانگر اخیر و عواقب بعدی آن در امتداد سال پار، کمبود مواد غذایی و فقدان منابع تهیه کمک‌ها و معاونت‌های بشردوستانه، کمبود نقدینگی، نبود کار و مصروفیت‌های شغلی و غیره دست بگریبان می‌باشد. بر بنیاد پیشبینی‌های بعمل آمده، افغانستان در امتداد سال‌های پیشرو، با خشکسالی طولانی مدت مواجه گردیده که در کنار سایر موارد، شرایط و وضعیت رقتبار شهروندان کشور نیز بیش از پیش تعمیق خواهد گردید. اقتدار رژیم جدید کشور و مشروعیت داخلی آن، از جمله بمیزان حل مشکلات و رفع معضلات فوق بستگی دارد. در شرایط و وضعیت کنونی اجتماعی - اقتصادی و معضلات موجود، در امر ارائه کمک‌های بشردوستانه، قبل از همه و بیش از سایر موارد باین واقعیت بستگی دارد که سرمایه بانک مرکزی کشور ما در بانک‌های اروپایی و امریکایی، بویژه با اصرار ایالات متحده منجمد گردید. موازی با آن، در ولایت‌های پنجشیر و بغلان، علیه حاکمیت "طالب"‌ها، بویژه توسط "جبهه نجات افغانستان" بر رهبری احمد مسعود و امرالله صالح، عملیات مسلحانه نیز براه افتاد. همچنان شعبه افغانی "دولت اسلامی" نیز جنگ شدید و ویرانگری را علیه حاکمیت "طالب"‌ها در کشور براه انداخت. بر این بنیاد، حاکمیت جدید در کشور ما بایست در قبالت معضلات و چالش

های موجود اجتماعی - اقتصادی و حوادث طبیعی واکنش بعمل آورد. باینهمه، اکنون بیشتر از یک سال است که "امارت اسلامی افغانستان"، بیشترین بخشهای کشور را تحت تسلط واقتدارش قرار داده است. اما با وجود اینهمه با معضلات وچالشهای متعددی نیز دست بگریبان بوده و بنحوی از انحاء و بشکلی از اشکال بآنهمه باید پاسخ های قناعت بخشی ارائه نماید. اما قابل تذکر پنداشته می شود که با وجود اینهمه، فروپاشی دولت و حاکمیت موجود در کشور تاکنون اتفاق نیافتاده است.

نباید فراموش خاطر ما شود که چالشهای موجود در قبال حاکمیت کنونی در کشور، از جمله یکی هم معضل مهاجران می باشد که امنیت در کشور واصل یکپارچگی در حاکمیت کنونی را مورد تهدید قرار می دهد. معضل مهاجران، بویژه جابجایی های گسترده داخلی، نارضایتی های اجتماعی بویژه در امر محدود نمودن آزادی ها و حقوق بانوان کشور و حذف آنها از فعالیت های اجتماعی، بخودی خود، اثرات ناگواری بر جامعه افغانی بجا می گذارد. در مورد معضل و مشکل پناهندگان بایست خاطر نشان گردد که بر بنیاد آمار و ارقام منتشر شده توسط سازمان ملل، تعداد مجموعی مهاجران کشور تا کنون به ۲،۲ میلیون تن بالغ می گردند. در همین حال، تعداد شهروندانی که در داخل محدوده کشور ناگزیر به نقل مکان گردیدند، به ۳،۵ میلیون تن تخمین می گردد که در حدود ۱۰ درصد از شهر و ندان کشور را تشکیل می دهند. وزارت امور مهاجران و بازگشت کننده ها در مورد یاد شده نیز گزارشی هایی را نشر نمود. وزارت امور مهاجران و بازگشت کننده ها توسط "شبکه حقانی" رهبری و اداره می گردد. خلیل الرحمان حقانی که باتهام فراهم آوری کمک ها و مساعدت های مالی به تروریست ها در فهرست تحریم های سازمان ملل قرار دارد، در رأس وزارت یاد شده اجراء وظیفه می نماید.

مطابق آمار و ارقام بنشر رسیده توسط وزارت مهاجران، تاکنون بکمک سازمان های بین المللی در حدود ۶۲۲ هزارتن از مهاجران عودت نموده اند. عده ای از آنها با جبر و فشار و اعمال زور بکشور فرستاده شدند بیشترین عده رد مرز شده ها از کشورهای پاکستان و ایران بوده که مجدد بکشور برگشتانده شده و مراکز جهت پذیرش و ارائه کمک های لازم برای برگشت کننده ها نیز ایجاد گردید. در عین حال، بیش از ۸۶ هزار خانوار در داخل کشور ناگزیر به مهاجرت و تغییر محل بود و باش شان گردیدند. آنها بگونه طبیعی بایجاد سرپناه، مواد خوراکی، کمک های بهداشتی و... ضرورت داشتند.

همزمان با آن، در امتداد زمانی حاکمیت "طالب" ها بارتباط مهاجران و بیجا شده های داخلی، کم از کم، یک روند مثبت وجود داشته است و آن اینکه تعداد مجموعی مهاجران بدلیل درگیری های مسلحانه بگونه پیوسته در حال کاهش بوده است. اگر قبل از سال ۱۳۹۹، تعداد مجموعی بیجا شده های داخلی به ۳۸۰ هزارتن افزایش یافت، تا ماه جوزای سال ۱۴۰۱ تعداد بیجا شده های داخلی به ۷،۴ هزارتن بالغ گردید.

بسیاری ها عمده ترین علل مهاجرت ها و بیجا شدن های پیهم در کشور را بیکاری و نبود مصروفیت های شغلی، موجودیت فقر گسترده و عدم دسترسی به تعلیم و تربیه و خدمات بهداشتی می پندارند. وضعیت اینچنینی، خواهی نخواهی، آسیب پذیری اجتماعی در مجموعه مهاجران را افزایش بخشیده، به گسترش پدیده هایی مانند کار اجباری کودکان و فروش اطفال نیز وسعت بخشیده که در چنین حالتی، بخودی خود شرایط بمنظور سرپازگیری اپوزیسیون حاکمیت جدید، بگونه نمونه توسط دولت اسلامی خراسان را میسر و مهیا نماید. از جانب دیگر، از آسیب های ناشی از بلایای طبیعی در کشور نیز نباید چشم پوشی بعمل آید.

در مورد مسأله بانوان کشور بایست متذکر گردید که نقض حقوق اساسی بانوان و دختران در کشور، حتا از دوره نخست حاکمیت "طالب" ها در امتداد سال های ۱۳۷۴ - ۱۳۷۹ آغاز گردید. زمانی که آنها برای بار نخست بر کشور حاکم گردیدند، نماینده آنها در جریان نخستین مصاحبه مطبوعاتی اعلام نمود که حقوق بانوان کشور، بویژه در مورد تداوم تحصیلات آنها در پوهنتون ها را "طالب" ها حفظ و مراعات خواهند نمود. آنها از بانوان کشور خواهان حفظ حجاب شده و مقررات دست و پاگیر دیگری را یکی پس از دیگر تصویب نموده و به منصفه اجراء قرار دادند. برخی از کارشناسان چنین می پندارند که "حق تحصیل"، از جمله حق تحصیل بانوان کشور بمثابه بارزترین شاخص "کفایت" رژیم جدید در کشور بوده و همچنان، از جمله مسایل قابل بحث یکی هم می تواند امکان تحصیل کودکان، بمثابه یکی از جمله مبرمترین ضروریات و موضوعات قابل بحث باشد که بیش از همه، بگونه بالقوه، مهاجران کشور بآن می اندیشند. برخی از شهروندان کشور بر اصل گشودن در های مکاتب و مراکز تحصیلی بر روی دختران تأکید بعمل می آورند. در حدود ۳ میلیون تن از دانش آموزان دختر و حدود ۱۰۰ هزار تن از بانوان شاغل در حوزه آموزش، در وضعیت و شرایط امروزی بگونه مستقیم کار نمی نمایند و اگر در زمینه یاد شده مصروف می باشند،

آنهم بصورت نیمه قانونی و مخفی بامورآموزش اولاد میهن مبادرت می ورزند. همچنان احیای مجدد امورآموزشی بانوان کشور، از جمله مسایل قابل توجه بیشتر جامعه جهانی محسوب می گردد. مسأله فوق، یکی از جمله شروط برسمیت شناختن حاکمیت کنونی "طالب"ها پنداشته می شود. از ماه سنبله سال ۱۴۰۰ همه مکاتب بالاتر از صنف ششم بدلائل تخنیکی اعلام شده توسط "طالب"ها مسدود می باشد، اما پسران مکتب رو، بامورآموزشی در مکاتب بالاتر از صنف ششم همچنان ادامه می دهند. منع تحصیل دختران و بانوان کشور را نمی توان با ارزش های موجود در اسلام توجیه نمود، بنابراین در آینده، ممنوعیت تحصیل دختران را ممکن بمثابه نیاز بمنظور ایجاد "محیط اسلامی" ضروری و حتمی محسوب نمایند.

معضل مربوط به بانوان کشور و شرایط وضع شده در قبال نحوه پوشیدن لباس و پوشاندن سر و صورت آنها و سلسله مقررات گسترده دست و پاگیر توسط بخش های رادیکال و محافظه کار "طالب"ها وضع گردیده است.

رهبری "طالب"ها مستقر در کندهار، بر بنیاد خواهش های وزرای "طالب"ها، هدایت داد تا در مورد تحصیل بانوان کشور موافقت بعمل آید. بر بنیاد گزارش های موجود، در مجموع حاکمیت "طالب"ها، در مورد چگونگی تحصیل بانوان کشور جرو بحث هایی صورت گرفت. بگفته منابع مؤثق، کابینه وزیران نامه ای با درخواست رفع محدودیت ها در مورد تحصیل و آموزش بانوان کشور عنوانی هیبت الله آخوندزاده رهبر کنونی "طالب"ها ارسال گردید. پاسخ امیرکندهار بگونه مختصر چنین ابلاغ گردید که اگر ثابت نمایند که دختران بالاتر از ۱۲ سال می توانند به تنهایی از منزل خارج گردند، من به بانوان اجازه تحصیل خواهم داد.

بخاطر داریم که پس از بازگشت مجدد "طالب"ها بقدرت، حاکمیت آنها از ادامه تحصیل بانوان کشور ممانعت بعمل آورده و در امتداد ماه قوس سال ۱۴۰۱ وزارت تحصیلات عالی "طالب"ها، بانوان کشور را از ادامه و تداوم تحصیلات عالی بگونه قطع محروم نمودند.

اما نباید فراموش نمود که مسأله بانوان کشور برای "طالب"ها بمثابه مشکل و معضل جداگانه ای تلقی می گردد که در مورد حل و فصل آن، جناح بنیادگرا و محافظه کار "طالب"ها دست بالا داشته و همچنان گفته می شود که در کنار موارد گفته آمده، وضعیت موجود بویژه ناشی از ناتوانی های قشرهای بالایی "طالب"ها چون عبدالغنی برادر، ملا یعقوب، سراج الدین حقانی و برخی دیگر ناشی می گردد که در مورد برسمیت شناختن امارت اسلامی از طرق دیپلوماتیک ویا در مورد لغو حداقل بخشی از تحریم ها با غرب رایزنی می نمایند.

قابل یاددهانی پنداشته می شود که با بقدرت رسیدن "طالب"ها در کشور، آنها با معضلات و مشکلات عدیده و مسا یل گسترده و عظیم اجتماعی مواجه گردیدند. بمنظور از دست ندادن مشروعیت حداقل و نسبی داخلی که "طالب"ها از آن برخوردارند، بایست مشکلات موجود در جامعه را بنحوی از انحأ حل نمایند. با بقدرت رسیدن "طالب"ها در کشور، شهروندان کشور ناگزیر به نقل و مکان هایی گردیدند، گستردگی جابجایی ها را می تون با وسعت و گسترش درگیری های مسلحانه در کشور مرتبط پنداشت، چه، با ادامه درگیری های مسلحانه در کشور، تعداد بیشماری از شهروندان کشور مجبور به ترک محل بود و یا بش وحتا ناگزیر به ترک سرزمین آبایی و اجدادی شان گردیدند. در کنار اینهمه، "طالب"ها بمنظور حل و فصل آنهمه مشکلات و معضلات موجود، از امکانات لازمی و ضروری نیز برخوردار نمی باشند. چنانچه سازمان های بین المللی بمنظور ارائه کمک های بشردوستانه، این واقعیت را بخوبی می دانند که عمده ترین رسالت آنها بویژه در شرایط و وضعیت کنونی، جلوگیری و مهار بحران بشری در جامعه افغانی می باشد. در کنار سایر موارد، عملی نمودن طرح های بشردوستانه را قبل از همه موجودیت تعزیرات وضع شده علیه "طالب"ها مانع می گردد، از جمله منع انتقال ارزهای پولی سبب کمبود نقدینگی در کشور گردیده و بیش از پیش به درد ورنج شهروندان کشور افزوده شده و در عین زمان، ارسال کمک ها و ارائه مساعدت های بشردوستانه را نیز با موانعی مواجه می سازد.

بنابراین، بایست این پرسش را مطرح نمود که در کوتاه مدت و میان مدت، و در حالیکه رهبران حاکمیت "طالب"ها بمنظور خروج از وضعیت اجتماعی موجود بدنبال گزینه هایی برای مدرن سازی سیاست های شان تلاش می ورزند، آیا غرب به حمایت های قابل توجه بشردوستانه به شهروندان کشور ما و حفظ موازنه ایجاد شده موجود همچنان ادامه خواهد داد؟